

در حین توجه به بحث موضوع را بنگرید، نه آن که نسبت به آن فکر کنید

شماره پرسش: ۱۳۱۲۹

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۴/۶/۵ ۲۱:۰۸:۴۱

متن پرسش

سلام استاد: پیرو جلسه چهارشنبه: ۱. اگر بنا در این مباحث سوال نکردن است بفرمایید چه نحوه نپرسیدن منظور است آیا برای فهم اشارات هم نباید پرسید؟ ۲. بفرمایید عین ثابتۀ چه نسبتی با اختیار دارد؟ آیا هر انسان قدر و ماهیتش را خودش انتخاب می کند یعنی مثلاً محمد بودنش را خودش انتخاب می کند یا نه، محمد بودن محمد به همان محمد بودنش است مثل مثلاً که چون مثلث است پس مثلث است و مربع نیست؟ ۳. اگر در عین ثابتۀ، شدن هر چیز به اختیار خودش باشد فرق مثلاً سبب و انسان در انتخابشان چیست؟ تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- بنده قبلاً مفصل در این مورد در همین جلسات عرض کردم و متذکر سخن حضرت خضر به حضرت موسی «علیهماالسلام» در رابطه با این علوم شدم که چرا حضرت خضر به حضرت موسی می فرماید: «فَإِنْ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا» (۷۰) کهف. اگر می خواهی در این راه از من پیروی کنی، به هیچ وجه سؤال نکن تا آن که برای تو تذکر لازم حادث شود. ۲ و ۳- در حین بحث اخیر این دو نکته را عرض کردم باز دوباره به بحث رجوع کنید و سعی کنید در حین توجه به بحث موضوع را بنگرید، نه آن که نسبت به آن فکر کنید تا مجبور باشید سؤال کنید و از این طریق موضوع برایتان در حجاب رود.